



## جدایی ناپذیری قرآن و عترت

سید محمد حسینی شاهرودی\*

قرآن کریم و عترت طاهره دو یادگار گرانبهای رسول خاتم صلی الله علیه وآله است، که به انفکاک ناپذیری این دو به طور مکرر در بیانات آن حضرت تأکید شده است؛ مانند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّمَا لَنْ يُفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» (بحار ۱۳۳/۲۳).

هر یک از این دو ریسمانِ آویخته الهی - که یک طرف آن به دست خداست و طرف دیگر آن به دست مردم - عهده‌دار تعلیم، تربیت و تزکیه همه انسان‌ها هستند و برای همه افراد بشر برنامه هدایتی دارند. آیات قرآن کریم، که خود را هدایتگر برای مردم می‌داند: «هدی للناس» (بقره/۱۸۵)، طوری تنظیم شده است که هر کس می‌تواند به مقدار سطح فکر خود از خرمن معارف آن خوشه‌ای برگیرد؛ هم برای عارفان، حکیمان، متکلمان و سایر اندیشوران برنامه هدایتی دارد، هم برای توده مردم و اعراب بیابانگرد چادرنشینی که جز چند رأس شتر و گوسفند و اشیای ساده دیگر چیزی نمی‌شناسند. هم عمیق‌ترین مسائل اعتقادی به زبان علمی ارائه شده تا عقده فکری دانش پژوهان را بگشاید و هم به شکل ساده و در زبان مثل تبیین گردیده است تا محرومان از دانش و بینش را منفعت بخشد. هر چند آیاتی در قرآن وجود دارد که جز خواص، آن را نمی‌فهمند، اما مطلبی وجود ندارد که کسی آن را نفهمد.

\* عضو هیئت علمی و استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی





همان طور که قرآن کریم برای اقشار مختلف جامعه برنامه دارد، روایات و سنت عترت طاهره(ع) نیز این گونه است. احادیث ائمه اطهار با آن که صعب و مستصعب است و فهمیدن بعضی از آن ها اختصاص به قشر خاصی دارد و هر کسی توان فهمیدن و درک کردن آن معارف عمیق را ندارد، در عین حال «مطلب غیر قابل فهم» در آن ها وجود ندارد و مطالب و معارف هدایتی آن اختصاص به قشر خاصی ندارد.

از این رو است که پیامبر خاتم(ص) می‌فرماید: من دو چیز گران بها را بین شما به امانت می‌گذارم و چگونه است که این دو امانت با هم انسان را نجات می‌دهند؟ زیرا اهل بیت ترجمان و مفسران حقیقی و راستین قرآنند و بر اساس روایات فراوانی که در منابع روایی موجود است، منظور از راسخان در علم که به علم تفسیر و تأویل قرآن آگاهی دقیق دارند و از قدرت استخراج معارف قرآن و تبیین آن ها برخوردارند، اهل بیت می‌باشند: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّسُخُونَ فِي الْعِلْمِ...» (آل عمران، ۷) در حالی که تفسیر آن ها (آیات متشابه) را جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند.

همچنین باید گفت: قرآن کلام خداوند سبحان بوده، و بر کلام هرکس مقدم است. همچنین همان گونه که ذات حضرت حق، مثل و مانندی ندارد، کلامش نیز بی‌همتاست. قرآن نور است و باطل از هیچ سویی در آن راه ندارد و جز پاکان برگزیده پروردگار در دسترس کس دیگری نیست.

بنابراین، قرآن کریم کتاب هدایت و نجات است و اهل بیت یگانه راه دست یابی به معارف ژرف قرآن کریم هستند. در نتیجه تمسک به قرآن، جدای از تمسک به اهل بیت و پیروی از آنان نیست و پیروی از آنان نیز عین پیروی از تعالیم قرآن است؛ چنان که در حدیث ثقلین آمده است: «أبها الناس اني قد تركت فيكم ما ان اخذتم بهما لن تضلوا كتاب الله و عترتي، اهل بيتي.» این حدیث با الفاظ گوناگونی و شبیه به هم نقل شده که عبارت یادشده در برخی از آن ها آمده است (ر.ک: پیام قرآن، ج ۹، ص ۷۹-۶۲).





مقصود از روایت یاد شده آن است که بدون «ثقلین» فهم قرآن و عمل دقیق، مطابق آن ممکن نیست؛ بنابراین باید از «ثقلین» جدا نشد و این انفکاک ناپذیری به معنای جدایی ناپذیری فیزیکی نیست، بلکه جدا ناپذیری هدایتی و معرفتی است؛ یعنی، معارف و هدایت‌های قرآن، از طریق اهل بیت(ع) قابل استفاده است. پس هر کس برای راه‌یابی به معارف قرآن از مسیر معارف و آثار اهل بیت(ع) حرکت کند، از آن سرچشمه حظّ وافر خواهد برد، در غیر این صورت بهره‌اندکی از حقیقت نصیبش خواهد شد.

### ارجاع مردم به اهل بیت

سؤالی که گاه مطرح می‌شود که حقایقی را که ائمه(ع) می‌فرمایند از کجا بدانیم همان حقایقی است که قرآن و رسول اکرم(ص) فرموده‌اند؟ در پاسخ باید گفت: بهترین دلیل بر این که ائمه اطهار(ع) همان حقایقی را بیان داشته‌اند که مورد نظر قرآن و رسول اکرم(ص) بوده است، ارجاع مردم به اهل بیت(ع) است و بارزترین حدیث مورد اتفاق اهل بیت و شیعه و زمینه ارجاع، همان حدیث ثقلین است که با تمسک به قرآن و عترت رسول اکرم(ص) هرگز گمراهی وجود ندارد. پس از نفی گمراهی و لزوم تمسک به کتاب و عترت اهل بیت(ع) می‌فهمیم که آنچه ائمه(ع) بیان داشته‌اند همان سنت و سیره رسول خدا(ص) و حقایق بیان شده است.

خداوند سبحان اهل بیت رسالت(ع) را پاک و مطهر آفریده، و آنان را از هر گناه و اشتباه و لغزش باز داشته است و باطل از هیچ سوئی در آنان راه ندارد. خداوند حکیم و دانا، کلام نورانی خود قرآن را در سینه‌های اهل بیت رسالت(ع) قرارداده است، آنان که دانش همه کتاب خدا را به تعلیم الهی آموخته‌اند. از این رو در یک آیه می‌فرماید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳)، خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند. و در آیه دیگر دسترسی کامل به قرآن را تنها برای مطهرون می‌داند و می‌فرماید: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه/۷۹)، که جز پاک‌شدگان بر آن دست نیازند.





## قرآن و عترت، دو گوهر هم سنگ

این دو گوهر گران سنگ، معادل و مساوی یکدیگرند و در هیچ مرحله‌ای از یکدیگر جدا نمی‌شوند. نه تمسک به قرآن تنها و دل خوش داشتن به شعار «حسبنا کتاب الله» مایه نجات است و نه تولی ائمه طاهریین(ع) و امیدواری به شفاعت آنان بدون تمسک به قرآن راهگشاست. امام، قرآن ناطق است و قرآن، امام صامت؛ در خصوصیات و ویژگی‌ها نیز مانند یکدیگرند. خدای سبحان در وصف کتاب خویش می‌فرماید: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (حشر/۲۱)، اگر این قرآن را بر کوهی فرازند نازل می‌کردیم، می‌دیدید که از خشیت و بیم الهی فروتن و پاشیده می‌شد. چنان که امیرالمؤمنین علی(ع) در وصف خویش می‌فرماید: «لَوْ أَحْبَبْتَنِي جَبَلٌ لَتَهَاقَتْ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۱)، اگر کوهی متحمل دوستی من می‌شد، درهم می‌ریخت.

مقتضای فرمایش پیامبر نیز که فرمود من دو چیز گرانبها که عبارت از قرآن و عترت من است را بین شما می‌گذارم و این دو تا قیامت از یکدیگر جدا نمی‌شود، تساوی قرآن و عترت است و موید این مطلب اینکه علی(ع) کتاب ناطق و قرآن کتاب ساکت (صامت) است، پس هر کدام محتاج و نیازمند یکدیگر هستند.

## ثقل اکبر و ثقل اصغر

سؤالی که گاه مطرح می‌شود این که اگر قرآن و عترت دو گوهر گران سنگ معادل و مساوی هستند، به چه دلیل قرآن کریم به عنوان ثقل اکبر، و عترت به عنوان ثقل اصغر مطرح شده است. در حالی که قرآن و عترت عدل و همتای یکدیگرند؟

نام گذاری قرآن به ثقل اکبر و نام گذاری اهل بیت به ثقل اصغر، از حدیث شریف نبوی گرفته شده است. دلیل نام گذاری آن نیز این است که، اگر آن چه در حدیث آمده را - ثَقَلَيْنِ - به فتح ثا و قاف بخوانیم، به معنای کالای مسافر است و چون انسان، مسافر راه آخرت است و باید برای این راه، توشه بردارد و این توشه مفید، جز





قرآن و اهل بیت نیست، از این رو به ثَقُل تعبير کردند.

اما اگر آنچه در حدیث آمده را به کسر ثأ و سکون قاف بخوانیم، هم چنان که این روایت، به دو گونه قرائت شده است؛ از ثَقُل به معنای وزنه سنگین است و حکایت از گران سنگ و گران قدر بودن آنها می‌کند هم چنین از این جهت که عمل به قرآن و پیروی اهل بیت سخت و سنگین است، آن دو را بدین نام نهادند (مجمع البحرین، ج ۱ - ۲، ص ۳۱۵) البته باید توجه داشت که ریشه روایت نبوی نیز، قرآن کریم است؛ زیرا خداوند از قرآن کریم به ثقل تعبير فرموده است: اِنَّا سَنُلْقِيْكَ قَوْلًا ثَقِيْلًا (مزمّل/۵)، به درستی که زود باشد که بر تو سخن سنگین را نازل کنیم.

در هر صورت، طبق بسیاری از نقل‌های حدیث ثقلین، - که از قرآن به ثقل اکبر و از اهل بیت و عترت نیز به ثقل اصغر تعبير شده است - در همان روایات از عدم جدایی و هم‌تا بودن این دو تا روز قیامت خبر داده شده است (ر.ک: علوم القرآن عند المفسرین، ج ۱، ص ۱۸۷ - ۱۹۹).

همچنین چند نکته در پاسخ به این سؤال قابل ذکر است:

نکته نخست، آن که عدل یکدیگر بودن این دو ثقل، با اکبر و اصغر بودن هر یک، منافاتی ندارد؛ چرا که قرآن و عترت در اصل حجیت عدل یکدیگر و با هم متحدند و روی هم یک حجت الهی هستند؛ منتها یک حجت، بزرگ تراز حجت دیگر است. در لسان نیز بخشی از روایت‌ها، چه زیبا پیامبر اکرم (ص) این معنا را تصویر و مجسم فرموده‌اند، حضرتش دو انگشت سبابه از دو دست خود را کنار هم قرار داده و فرمودند: «حتي يردا عليّ الحوض كأصبعي هاتين و جمع بين سبأتيه»، تا این که در حوض (در قیامت) این دو به من می‌رسند، همانند این دو انگشت سپس انگشت سبابه و وسطی از یک دست را کنار هم قرار دادند (بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۳۹).

نکته دوم، این که عترت و ائمه طاهرين، از لحاظ مقام‌های معنوی و در نشئه باطن از قرآن کمتر نیستند و سخن بلند امیرالمؤمنین علی (ع) گواه بر این مدعا است که می‌فرماید: «ما لله عزّوجل آية هي اكبر منّي» در نزد خداوند عزّوجل آیه‌ای بزرگ تر از من نیست (کافی، ج ۱، ص ۲۰۷ / بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۰۶).





و از این بیان روشن می‌شود که در جریان جنگ صفین چیزی که در مقابل قرآن ناطق، که در حقیقت عدل قرآن حقیقی است، بر سر نیزه‌ها افراشته شده بود، معارف بلند قرآن نبود، بلکه نوشتاری از قرآن - که فاقد هر گونه حجّتی است - در مقابل حجت خدا قرار گرفته بود.

اما از نظر نشئه ظاهر و مدار تعلیم و تفهیم معارف دین، قرآن کریم ثقل اکبر و آن بزرگواران ثقل اصغرند. و به تعبیر امام خمینی (ره) - در ابتدای وصیت نامه الهی سیاسی خود - اهل بیت، خود ثقل کبیرند در مقابل ثقل اکبر (برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۶۳ و ۷۳ و ۷۶ و ۱۳۹ و ۱۴۹ و ۱۵۱ - ۱۵۵ و ۱۶۰ و شرح مبسوط وصیت نامه امام خمینی، ص ۳۶).

بنابراین اهل بیت رسالت (ع) هیچ گاه از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن نیز از ایشان جدا نمی‌شود. اهل بیت (ع)، و قرآن، به خواست الهی از یکدیگر جدایی ناپذیرند و هیچ کس با هیچ اقدام و ترفندی نمی‌تواند آن دو را از هم جدا سازد. اگر قرآن را از عترت جدا کنیم؛ نه آن قرآن، هدایت گر است و نه آن عترت، اهل بیت رسالت. قرآن معجزه جاوید پیامبر اسلام (ص) است؛ و عترت پاک پیامبر نیز معجزه جاوید آن بزرگوار. قرآن ذکر است چنانکه می‌فرماید: «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ قُرْآنٌ مُّبِينٌ» (یس/۶۹)، و [ما] به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست؛ این [سخن] جز ذکر و قرآنی روشن نیست.

و اهل بیت رسالت (ع) اهل ذکرند، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/۴۳)، و پیش از تو [هم] جز مردانی که بدیشان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم. پس اگر نمی‌دانید، از پژوهندگان کتاب های آسمانی جویا شوید.

قرآن، همگان را به اهل بیت فرا می‌خواند و اهل بیت، همگان را به کتاب خدا دعوت می‌کنند. قرآن، کتاب صامت و خاموش پروردگار است و اهل بیت، کتاب ناطق و گویای پروردگارند.

در زمان غیبت نیز امام معصوم حضور دارد و به اصلاح امور امت و ارائه هدایت





های لازم در موارد مقتضی می‌پردازد و غیبت امام عصر(عج) به معنای جدایی عترت از قرآن نیست، بلکه مفسر کتاب خدا در این برهه از زمان نیز حضرت بقیه‌الله(عج) است. چنانکه در زیارت آن حضرت می‌خوانیم: «السلام عليك يا تالي كتاب الله و ترجمانه»، سلام بر تو ای تلاوت‌گر و ترجمه‌کننده کتاب خدا.

منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت.
- ۴- پیام قرآن، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۵- مجمع البحرین، طریحی، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶- علوم القرآن عندالمفسرین، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۷- الکافی، محمدبن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۸- تفسیر تسنیم، آیت الله جوادی آملی، موسسه اسرا.
- ۹- شرح مبسوط وصیت نامه امام خمینی، قادر فاضلی، نشر فضیلت علم.

